

علل تقابل سیاسی معاویه با امام علی (علیه السلام) بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

زهرا آشوری^۱

چکیده

پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نظام سیاسی تازه تاسیس اسلام با چالش اندیشه ای – سیاسی مواجه شد و مبانی نظری سیره نبوی در تبیین حکومت اسلامی را به مسیری دیگر کشاند و سرآغاز تحول فکری جدیدی در مفهوم حکومت اسلامی گردید. امام علی (علیه السلام) بعد از رسیدن به خلافت، مهمترین و اصلی ترین برنامه خویش را اجرای اصلاحات برای بازگشت جامعه به سنت و جامعه نبوی قرار داد. اما با مخالفت های فراوانی روبرو شد از جمله با دسیسه های معاویه مواجه شد که منجر به جنگ شد. در این مقاله، به تحلیل و بررسی کلی علل تقابل سیاسی معاویه با امام علی (علیه السلام) بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) پرداخته شده است و به اثبات می رسد که جنگ صفین با وجود نافرمانی معاویه، سرکشی و شورش خوارج، حضرت با راهکارهای گوناگون کوشید شعله جنگ را خاموش کند، اما به مقصود خویش نرسید و آن جنگ بر ایشان تحمیل شد.

کلید واژه: تقابل، سیاسی، معاویه، امام علی (علیه السلام)، رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

^۱ طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه امام صادق (علیه السلام)

مقدمه

تقابل به معنای رودررو شدن و سیاست در لغت به معنای اداره کردن امور مملکت، مراقبت امور داخلی و خارجی، اصلاح امور خلق، مردم داری، داوری و تنبیه می‌باشد و در اصطلاح نیز تدبیر هوشمندانه و جامع برای اجرای عدالت و حفظ کشور و افراد به منظور جلوگیری از فروپاشی و بی‌نظمی و نابسامانی داخلی و خارجی است.

حضرت علی (علیه السلام) در مدت ۲۵ سال خانه نشینی بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مسائل سیاسی حضور داشتند و خلفا در امور متعددی از ایشان استفاده می‌نمودند. این مسئله بیانگر نیاز جامعه مسلمین به سیاست ایشان است. حال این سوال مطرح است که تقابل سیاسی معاویه با حضرت علی (علیه السلام) بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چگونه بوده است؟

لزوم بررسی و شناخت سیره علوی ریشه کمال جویی دارد و از نیاز انسان اسوه برخاسته است، این نیاز فطری انسان است، تا جایی که گفته اند: انسان بدون الگو راه به سوی کمال نخواهد برد؛ پس انسان کمال گرا که نمونه کامل و اسوه کمال یافته و برتر را می‌جوید، به شناخت سیره انسان‌های کامل و برجسته‌ای مثل علی ابن ابی طالب (علیه السلام) و دیگر شخصیت‌ها و اسوه‌های کمال یافته‌ی تاریخ بشری نیاز دارد. علاوه بر این زمان و شرایط تحولات سیاسی که بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله و آله و سلم) به وجود آمده بود در طول تاریخ تکرار شده است.

در رابطه با سابقه تحقیق که تحت عنوان تقابل سیاسی معاویه با امام علی (علیه السلام) بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله و آله و سلم) تدوین گردیده است، باید گفت تا آنجایی که نگارنده اطلاع دارد، بحث جدا و مستقلی از سوی پژوهشگران انجام نگرفته است و همچنین باید گفت که تحقیق حاضر به صورت کوتاه وبامتنی بسیار سلیس بوده که خواننده با خواندن یکبار آن به مفهوم ومعنای متن پی می‌برد. در کتاب‌های حاضر و تحقیق پیش رو شرح دلایل به وجود آمدن جنگ و همچنین اقداماتی که در این راستا انجام گرفته، آورده شده است. با این وجود در کتبی مانند شرح نهج البلاغه (ابن ابی‌الحدید)، واقع‌ه‌صفین (نصرین مزاحم)، تجارب السلف (هندوشاه نخجوانی)، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب (حمید عنایت)، مسائل اساسی علم سیاست (محمدباقر حشمت زاده)، جنگ‌های سه گانه امام علی (علیه السلام) (محمدحسن قدردان قراملکی)، اصول علم سیاست (مووریس دوورژه)، لسان العرب (ابوالفضل جمال الدین محمد ابن مکرم)، فروغ ولایت (جعفر سبحانی)، الامامه و السیاست (ابن قتیبه)، الکامل فی

التاریخ(عزالدین ابوالحسن)، نظرات سیاسی در نهج البلاغه(محمدحسین)، تاریخ دمشق(ابن عساکر)، صحیح مسلم(مسلم ابن حجاج) و.... به این مطلب پرداخته شده است؛ ولی در هیچ یک از کتاب ها به صورت جداگانه به بحث سیاسی پرداخته نشده است.

انسان‌هایی که جامعه را تشکیل می‌دهند وقتی در مسیر درست قرار می‌گیرند که سیره درست و راه مستقیم را بشناسند و از آن پیروی کنند. یکی از سیره‌های که انسان می‌تواند از آن پیروی کند و وارد راه درست شود سیره سیاسی امام علی (علیه السلام) است. مخاطبین با خواندن تحقیق حاضر با راه درست زندگی سیاسی امام علی (علیه السلام) آشنا می‌شوند و متوجه خواهند شد که چه کسانی و چه سیاست مدارانی در تقابل با راه حضرت در برقراری سیاست درست ایشان قرار گرفته بوده‌اند. روش تحقیق حاضر به صورت کتابخانه‌ای-توصیفی است. موضوع تحقیق حاضر با علوم هم چون تاریخ، تفسیر، حدیث شناسی و... ارتباط دارد؛ ولی رویکرد محقق از جهت علوم تاریخی است.

مفهوم شناسی

معنای لغوی تقابل

تقابل را به معنی روبه رو شدن، روبه روی هم واقع شدن^۱ معنا کرده اند.

معنای لغوی سیاست

سیاست واژه ای عربی است که ریشه آن «س و س» و به معنای «ریاست یا خلق» است. برخی آن را اینگونه تعریف کرده‌اند:

«السیاسة القيامُ علی الشیء بما یصلحُهُ ریاست به معنای اقدام و انجام چیزی بر طبق مصلحت آن است.» و اگر به حاکم و زمامدار «سیاستمدار» گفته می‌شود؛ به این علت است که در امور اجتماعی و عمومی توده مردم به مصلحت اندیشی، تدبیر و اقدام می‌پردازند.

معنای اصطلاحی سیاست

۱- معین، فرهنگ معین، ص ۷۰

۲- ابن منظور، لسان العرب، ص ۱۰۷

واژه سیاست در اصطلاح علم سیاست به معنای گوناگونی به کار رفته است. برخی از این تعاریف عبارت است از « فن کشورداری و کسب قدرت اجتماعی»؛^۱ «قدرت و فن کسب، توزیع و حفظ آن»^۲، «علم حکومت به کشورها»^۳؛ « فن و علم حکومت بر جوامع انسانی»^۴ که همگی می‌توانند در کنار یکدیگر مکمل یک معنا باشند. برای پی‌بردن به مبانی اصول و احکام سیاست از منظر امام علی (علیه السلام) و سیره آن حضرت باید به تعریف سیاست از نظر ایشان پرداخت.

واژه سیاست در خطبه‌ها و سخنان آن حضرت، چندان به معنای اصطلاحی آن به کار نرفته است. در چندین مورد در معنای لغوی آن یعنی « خُلق با تادیب و تمرین » به کار رفته است و در مواردی اندک نیز در معنای اصطلاحی آن به مفهوم امروزی یعنی « حکومت، دولت و قدرت » به کار رفته است؛ ولی خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات فراوانی از آن حضرت وجود دارد که موضوع اصلی یا فرعی آن مقوله سیاست است^۵

دلایل سیاسی معاویه برای به وجود آوردن جنگ صفین^۶

قاسطان کسانی بودند که ظلم و ستم پیشه کردند و جنگ صفین را به سرکردگی معاویه به راه انداختن، روحیه قاسطین روحیه سیاست و تقلب و نفاق بود. آنها می‌کوشیدند تا زمام حکومت را در دست بگیرند و بنیان حکومت و زمامداری حضرت علی (علیه السلام) را در هم فرو ریزند. معاویه و گروه او که با اساس حکومت علی (علیه السلام) مخالف بودند. آنها می‌خواستند خود مسند خلافت اسلامی را اشغال کنند، در حقیقت جنگ امام علی (علیه السلام) با آنها جنگ نفاق و دورویی بود.

وقتی امام علی (علیه السلام) به مسند حکومت رسید به معاویه نامه نوشت که حکومت شام را که توسط دو خلیفه پیشین برگزیده شده بود به امام تحویل دهد و با ایشان بیعت کند^۷ و از طرفی معاویه انتظار داشت که حضرت حکم حکومت وی را در شام تأیید و امضاء کند^۸ از سوی دیگر،

۱- عنایت، بنیاد فلسفه سیاست در غرب، ص ۱۹

۲- حشمت زاده، مسائل اساسی علم سیاست، ص ۵۷

۳- قاضی، اصول علم سایت، ص ۱۷

۴- همان

۵- محمد حسین مشایخ فریدنی، نظرات سیاسی در نهج البلاغه، صص ۱۰۱-۱۰۴

۶- در صفر سال ۳۷ هجری در منطقه ای به نام صفین بین امام علی و معاویه به علت عدم بیعت و پذیرش خلافت امام علی (ع)، از سوی بین دو لشکر

امام علی و لشکر شام اتفاق افتاده و فرماندهان آن امام علی و معاویه است. نتیجه آن خاتمه جنگ و پذیرش حکمیت است

۷- ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۰

۸- قمی، نهج البلاغه، نامه ۱۷

به دلیل اعمال فاسد خود و چپاول حقوق مردم احتمال می‌داد که حضرت وی را از حکومت شام برکنار کند و علاوه بر آن پس از قتل عثمان، هوس خلافت در سرداشت از این رو، برای به دست گرفتن برگ های برنده سیاسی و اجتماعی حکومت، راضی به کشته شدن عثمان توسط یاران و دوستان علی (علیه السلام) شد و خود عمداً به یاری عثمان نشتافت تا با قتل وی توسط یاران امام، معاویه آن حضرت را مسئول اصلی قتل خلیفه معرفی کند.

برخی از اقدامات و سیاستهای معاویه جهت مقابله با امام علی (علیه السلام)

نامه معاویه به عمرو عاص

در اول کار معاویه برای جلب همکاری عمروعاص، گرگ میدان سیاست، نامه ای به این مضمون به عمروعاص نوشت: ماجرای علی و طلحه و زبیر به تو رسیده است. مروان ابن حکم با گروهی از مردم بصره به شام آمده‌اند و جریر ابن عبدالله به نمایندگی از جانب علی برای اخذ بیعت وارد شام شده است، من از هر نوع تصمیم خودداری کردم تا نظر تو را دریابم. هرچه زودتر خود را برسان تا در این موضوع به تبادل نظر بپردازیم.^۱

همکاری دوسیاست باز کهنه کار

سر انجام عمروعاص، سیاست باز کهنه کار، دنیا را بر آخرت ترجیح داد و چون او از نیاز معاویه به تدبیر و سیاست خود کاملاً آگاه بود، لذا کوشش کرد که به ازای دادن قول همکاری به معاویه او را ملزم به پرداخت بهای سنگینی سازد.^۲

اجرای نقشه های شیطانی عمرو عاص

وقتی دادوستد دو سیاستمدار نیرنگ باز به پایان رسید وقت آن بود که معاویه طرح های عمرو را مورد اجرا بگذارد. طرحی که عمرو در مورد مقابله با محمد ابن حذیفه و اندیشه حمله قیصر به شام داده بود، به دقت مورد اجرا قرار گرفت و هر دو موفقیت به دست آمد. ولی برای مشکل بزرگتر که مقابله با علی (علیه السلام) بود طرحی داد که سبب شد اکثر مردم شام با کمال میل به زیر پرچم معاویه در آیند و آماده نبرد با علی (علیه السلام) شوند. طرح عمروعاص برای مقابله با

۱- قرطبی، لامامۃ و السیاسة، ص ۳۴

۲- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۶

درباره آنها می‌رود، اما آنها که کوتاهی می‌کنند (نه جز دسته اول و نه دومند) در آتش سقوط می‌کنند! انحراف به راست و چپ، گمراهی و ضلالت است و راه مستقیم و میانه جاده، وسیع و حق است، قرآن و آثار نبوت همین طریق را توصیه می‌کند، و سنت پیامبر نیز به همین راه اشاره می‌نماید و سرانجام، همین جاده مقیاس کردار همگان است، راه همه باید به آن منتهی گردد. آن کس که به ناحق ادعا کند هلاک گردد، و آن کس که با دروغ و افترا پیش رود بیچاره و بدبخت شود، و آن کس که (در بین مردم نادان) حق را اظهار کند از نظر بیفتد، در نادانی انسان همین بس که قدر خویش را نشناسد (و به ارزش خود پی نبرد) آنچه بر اساس تقوا بنا گردد، نابودی نپذیرد، و بذری که در سرزمین تقوا پاشیده شود هرگز تشنگی احساس نکند، در خانه‌ها پنهان شوید (و در دسته بنده‌های منافقان و تفرقه اندازان شرکت نجوید) دل‌های پراکنده را به هم نزدیک کنید، با هم آشتی دهید، و به دنبال لغزشها و گناهان توبه کنید (در برابر نعمت‌ها) غیر از خدا را نباید ستایش کنید، و (در مقابل مشکلات و ناراحتی‌ها) تنها باید خویش را سرزنش نمایید.^۱

سومین اقدام امام علی (علیه السلام) بعد از بیعت

بعد از پذیرش حکومت و بیعت با مردم، امام در آرزوی تحقق یک فرهنگ بزرگ بود و آن اجرای عدالت بود.

امام علی (علیه السلام) مرد عدالت و تقوا بود و این دو خصلت را همچون خصلت‌های دیگر در مکتب رسول خدا فرا گرفته بود. او می‌خواست بر مردمی به عدالت حکم براند که بیشتر آنها از عدالت نامی می‌شنیدند و از تقوا نشانی نمی‌دیدند. مردمی که نه رسول خدا را دیده بودند و نه سنت آن را چنان که باید می‌شناختند. از آن روز که در اجتماع درآمدند، با جنگیدن آشنا شدند و غنیمت به دست آوردن را، آن دسته از یاران رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) هم که زنده بودند سالیانی را گذرانده و خسته و فرسوده بودند و خوش داشتند از بیت المال بیشترین سهم را ببرند و زندگی آرامی را بگذرانند. میان آنان و عدالت فاصله‌ای پهناور پدید آمده بود.^۲

برخی از جلوه‌های عدالت علوی

۱- مکارم شیرازی، نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، ج ۱، خطبه ۱۶، ریا، صص ۵۳-۵۵

۲- جعفری، امام علی (ع) و عدالت‌گرایی ایشان، شماره ۶۵، ص ۲-

تساوی همگان در برابر قانون

از بصره تحفه‌ای گران بها برای حضرت فرستادند. دخترش ام‌کلثوم گفت: آیا اجازه می‌دهید آن را به گردن بیاویزم و خودم را بدان بیارایم؟ فرمودند: ابورافع آن را به بیت المال ببر و کسی حق ندارد از آن استفاده کند، مگر آن که همه زنان مسلمان مانند آن را داشته باشند.^۱

بهره برداری برابر از اموال و امتیازهای عمومی

امام علی (علیه السلام) در امتیازهای اقتصادی که دولت و حکومت اسلامی به مردم می‌دهد، همه را برابر می‌دید و به هیچ وجه مصلحت اندیشی و گاه توجیه‌های غلط را روا نمی‌دانست. پرداخت سه درهم از اموال عمومی در روز سوم خلافت به هر یک از مسلمانان، اعم از سیاه و سفید و عرب و عجم، نمونه بارز و آشکار برابری و عدالت ورزی علی (علیه السلام) در جامعه اسلامی بود.^۲

برگرداندن اموال تاراج شده به خزانه عمومی

آن حضرت وقتی با اصرار مردم برای پذیرش خلافت روبرو شد، راجع به قطایع عثمان؛ یعنی زمین‌هایی که متعلق به عامه مسلمین است و عثمان به این و آن داده فرمود: همه را پس خواهم گرفت، هر چند مهر زنانشان قرار داده باشند یا با آنها کنیزکانی خریده باشند.^۳

نظارت و بازرسی اجرای عدالت از سوی کارگزاران

با بررسی نامه‌هایی که ایشان به عثمان بن حنیف و مالک اشتر و دیگر کارگزارانشان مرقوم فرموده‌اند، میزان دقت و توجه ایشان به نظارت بر آنها را می‌توان یافت. بازرسی دقیق ایشان از کارگزاران، نبخشیدن آنان در حیف و میل بیت المال و تلاش گسترده برای اجرای عدالت در گستره جامعه، از ویژگی‌های روح بزرگ و عدالت خواه علوی بود.

نتیجه گیری

۱- جمعی از نویسندگان، آشنایی با نهج البلاغه، صص ۲۲۵-۲۲۸

۲- جعفری، نشریه معارف اسلامی؛ امام علی (ع) و عدالت گرایی ایشان، شماره ۶۵، ص ۳

۳- همان منبع به نقل از نهج البلاغه، خطبه ۱۵، ص ۵۳

دلایل سیاسی معاویه برای به وجود آوردن جنگ صفین این بود که معاویه و تیپ او با اساس حکومت علی (علیه السلام) مخالف بودند. آنها می‌خواستند خود مسند خلافت اسلامی را اشغال کنند، درحقیقت جنگ امام علی (علیه السلام) با آنها جنگ نفاق و دورویی بود. برخی از اقدامات و سیاست‌های معاویه جهت مقابله با امام علی (علیه السلام) نامه نوشتن معاویه به عمرو عاص، همکاری بین آن دو و اجرای سیاست‌های عمرو عاص بود.

سیاست‌های امام در دوران خلافت خویش و برخی از اقداماتی که ایشان در مقابل عمرو عاص و معاویه انجام دادند، باز پس گیری بیت المال از غاصبان، مقابله با شایسته سالاری، بیعت با مردم، برقراری و اجرای عدالت بود.

عوامل ذیل را می‌توان از جمله دلایل حقانیت و مشروعیت جهاد حضرت با معاویه دانست:

۱- روایات پیامبر: پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به صراحت و به طور خاص، درباره حکمرانی معاویه و جلوس وی بر منبر رسول خدا هشدار داده و از امت خویش خواسته بود که در این صورت، دست به قتل معاویه بزنند. واضح است که با عدم صلاحیت معاویه برای تصدی مقام موعظه و تبلیغ دین، عدم صلاحیت وی بر تصدی مقام خلافت، که جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به شمار می‌آید، و هر گونه کوشش وی در این راه، مانند عدم واگذاری شام به امام علی (علیه السلام) را روشن می‌سازد.

۲- یاغی بودن معاویه: دومین دلیل برای باطل بودن جبهه معاویه، طغیان و نافرمانی وی از خلیفه مشروع و مردمی است.

۳ - شهادت عمار یاسر در جنگ صفین که از یاران نزدیک امام (علیه السلام) بود که توسط لشکر معاویه صورت گرفت، گروه یاغی را مشخص کرد. بنابراین می‌توان گفت که سیاست معاویه بر پایه مکر و حيله و تزویر بوده است و سیاست امام علی (علیه السلام) که جانشین بر حق رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هستند، بر پایه حق و عدالت و اخلاق است.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

منابع فارسی

- ۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، بی جا، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ق، نسخه دیجیتالی قائمیه اصفهانی.
- ۲- ابن قتیبہ، عبدالله ابن مسلم، الامامۃ والسیاسة، ترجمه: شیر، علی، بیروت، انتشارات: مکتبه الحدید، چاپ اول، ۱۳۸۶ هـ/ش.
- ۳- ابن عساکره، علی ابن حسن، تاریخ دمشق، ترجمه: شیر، علی، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۵ هـ/ق.
- ۴- بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح بخاری، ترجمه: عبدالعینورا، بی جا، انتشارات: شیخ الاسلام احمد جام، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ/ش.
- ۵- جعفری، محمد، امام علی (علیه السلام) و عدالت گرایی ایشان، نشریه معارف اسلامی، شماره ۶۵، بی تا.
- ۶- حجاج، مسلم، صحیح مسلم، ترجمه: خالدایوبی، انتشارات حسینی اصل، ویراستار: حسین رستمی، چاپ ۱، ۱۳۹۴ هـ/ش.
- ۷- حشمت زاده، محمدباقر، مسائل اساسی علم سیاست، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، بی جا، اردیبهشت ۱۳۹۵ هـ، ش.
- ۸- دوورژه، موريس، اصول علم سیاست، ترجمه: سید ابوالفضل قاضی، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم، بهار ۱۳۸۶ هـ، ش.
- ۹- سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، قم، انتشارات: موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۵ رجب ۱۴۱۰ هـ/ق، ۲۲ بهمن ۱۳۸۶ هـ/ش.
- ۱۰- شریف، محمد ابن حسین، نهج البلاغه، نامه هفدهم، قم، انتشارات الهادی، چاپ ۳۲، ۱۳۷۹ هـ/ش.

۱۱- طبری، ابوجعفر، تاریخ طبری، بیروت، انتشارات دارالتراث، چاپ ۲، ۱۳۸۸۷ ه/ق.

۱۲- عنایت، حمید، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، ج ۶، بی جا، انتشارات زمستان، ۱۳۹۳.

۱۳- مسعودی، علی ابن حسین، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ترجمه فخرالاعباء، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۱۶ ه/ش.

۱۴- مشایخ فریدنی، محمد حسین، نظرات سیاسی در نهج البلاغه، تهران، نشر بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۳۸۶ ه، ش.

۱۵- معین، محمد، فرهنگ معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸.

۱۶- نخجوانی، هندوشاه ابن سنجر، تجارب السلف، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، نشر طهوری، ۱۳۹۵ ه، ش.

۱۷- نصر، ابن مزاحم، وقعه صفین، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، نسخه دیجیتالی قائمه اصفهان، ۱۳۷۶ ه، ش.

۱۸- یعقوبی، احمد ابن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ۱۱، ۱۳۸۹ ه/ش.

منابع عربی

۱- ابوالحسن، عز الدین، الکامل فی التاریخ، ج ۲، بیروت، انتشارات: دار صادر، ۷ ه/ق.

۲- جمال الدین محمد ابن مکر رویفعی افرقی، ابوالفضل، لسان العرب، بیروت، انتشارات دار البیروت، شعبان ۷۱۱ ه/ق.